

دخترک ساده

دایان دوکریه، ترجمه: محمدعلی عسگری

مسئله‌ای که روشن است اینکه آقای ولف و اوای جوان بعدها نیز باوجود آنکه هر دو سال‌ها بود همدیگر را می‌شناختند، عاشق نبودند.

بعد از ماجرای دختر خواهرش بود که هیتلر بیشتر به این دخترک نزدیک شد؛ دخترکی که با پرهیزگاری به سخنان طولانی‌اش گوش می‌داد. حتی یک‌بار به دوستش یواشکی گفته بود این حرف‌ها «او را وحشتناک خسته می‌کند» و پیوسته مجبور است برای فهم منظورش به فرهنگ لغت مراجعه کند. خلائی را که گیلی به‌وجود آورده بود، اوِ پر کرد. کسی که تحت نظارت هوفمان تصویربردار بود که درعین‌حال نقش یک مسمار را برای هیتلر بازی می‌کرد. داهرینگ با توجه به این مسئله، گفته است: «اگر این حرف درست باشد، اوِ براون را در یک سینی نقره‌ای تقدیم او کرده». البته به‌نظر می‌رسد این رابطه در آخر سال۱۹۳۱ شروع شده باشد. این در صورتی است که حرف‌های یکی از دوستان نزدیک اوِا به نام «مارگرت میتلستراسر» را باور کنیم که گفته است: «من کاملاً می‌دانم که آنها با هم هستند، وقتی می‌آمد تا او را ببیند و دچار عارضه ماهانه بود، چیزی به دکتر می‌داد تا آن را متوقف کند». مارگریت می‌دانست درباره چه حرف می‌زند چون او بود که شخصاً می‌رفت تا برای آن معشوقه جوان دارو تهیه کند. هیتلر این‌گونه اراده‌اش را بر جسم او تحمیل می‌کرد. باید وضع آن زن جوان مطابق با زمان تمایلاتش می‌بود.

به‌نظر می‌رسید اوِا کاملاً نقش جایگزین آن مرحوم را بازی می‌کرد و دوست داشت تکرار کند که: «مرگ گیلی برای او یک فاجعه بود. بنابراین باید برایش یک زن استثنایی می‌بود». این‌جا هیچ اثری از حسادت به‌چشم نمی‌خورد. حتی برعکس، نوعی تقلید به‌چشم می‌خورد؛ یعنی کسی که تحت‌تأثیر طبیعی تصاویر متعدد و نقش برجسته‌ها و تابلوهای دختر خواهر هیتلر قرار گرفته باشد؛ آثاری که هیتلر را محاصره کرده بود. اوای گندمگون حتی مثل گیلی موهایش را کوتاه کرد؛ البته به‌صورتی کاملاً مرتب و لبه‌دار. خدمتکاران هیتلر به یاد می‌آوردند که او دیدارهای مکرری با اوِا داشته است. این دیدارها از سال ۱۹۳۲ شروع شد و او با «آن کیف کوچک مخصوصش» می‌آمد به دیدار کسی که درباره زنان به‌صراحت این‌طور حرف می‌زد: «زنان تکنیک خاصی دارند؛ درابتدا نرم و مهربان هستند تا اعتماد مرد را به‌خود جلب کنند. بعد شروع می‌کنند افسارِش را بکشند و آنگاه که با قدرت آن را در چنگ خودشان گرفتند، دیگر مرد را به هرجایی که خواستند می‌کشاند». هیتلر این‌گونه بر‌خوردش را با زن جوانی توصیف می‌کند که در زندگی‌اش هیچ هدف دیگری جز این نداشت که به دیدار بعدی با دوستش آلفی فکر کند.

اما آن دخترک نمی‌توانست برایش سودی داشته باشد مگر تحت شرایطی خاص، زیرا هدف اصلی او آن بود که مستشار رایش شود. برای رسیدن به این هدف، ره وسیله‌ای را مجاز می‌شمرد و آن دخترک پیوسته مانعی بر سر راهش بود؛ کسی که جلو راهش را سد می‌کرد و هیتلر به اندازه کافی به او اهمیت نمی‌داد، زیرا زیباترین زنان دنیای سینما و آن جامعه مرفقی اطلاعاتش کرده بودند. در رابطه با اوای کم‌عقل، عاشق و مقتون، او یک جهنم بود. به‌خصوص اینکه نمی‌توانست به کسی بگوید زیرا آدولف او را از چنین کاری منع کرده بود.

او معشوقه‌ای ساده و مفتون بود که می‌توانست برای هر مدتی که لازم بداند، او را ترک کند اما هرگز جرت آن را نداشت که به هر دلیلی با او مخالفت کند. اما هیتلر به‌زودی دریافت به دام هومان دخترک ساده افتاده است. در ابتدای نوامبر سال ۱۹۳۲ اوِا استراتژی خاصی را در پیش گرفت که او را رفیق هیتلر قرار می‌داد؛ درست مثل حالتی که گیلی داشت. تلاش کرد یک کلوله به قلبش شلیک کند. اما این یک عملیات خودکشی ناکام بود، زیرا خودش موجب شده بود کاری کند که خواهرش به محض شنیدن فریاد، به‌سویشتبابت. برای پزشک، دیگر کار سختی نبود تا کلوله‌ای را که در گردنش جای گرفته بود، خارج کند. باین‌حال، حمله‌اش مؤثر واقع شد، زیرا هیتلر فوراً و به محض اطلاع بر بالینش حاضر شد. آنجا بود که دریافت عشقِ اوِا به او کامل و همه‌جانبه و دارای مایه‌های ماروخستی است. بعد برای او توضیح داد که برایش مرگ هیچ اهمیتی نداشته و همواره شیخ گیلی را پیش چشمش می‌دیده است کماینکه هیتلر نیز کسی نبود که بتواند از خودش تصویر یک زارع مرگ را در آن دوره خاص و پرتنش سیاسی برجای بگذارد؛ زیرا در کمتر از دو ماه بعد از آن حادثه بود که به‌عنوان مستشار رایش برگزیده شد. برای همین می‌توان حرف‌هایش را مانند یک عاشق زخمی به اشکال گوناگونی تفسیر کرد. آنجا که می‌گوید: «من باید در آینده بیشتر مراقب او باشم. شاید این باعث شود که جلو یک حماقت دیگر از این دست را بگیرد».

ادامه دارد

سودابه رخس: مردی به کنسولگری استرالیا در آتن می‌رود و تقاضای ویزای کار می‌کند. کارمند کنسولگری می‌پرسد: «چرا می‌خواهید یونان را ترک کنید؟» مرد یونانی در پاسخ می‌گوید: «نگرانم یونان از حوزه یورو خارج شود». کنسول استرالیایی پاسخ می‌دهد: «نگران نباش، دیروز با همکار آلمانی‌ام صحبت می‌کردم و او به من اطمینان داد که یونان در اتحادیه اروپا باقی می‌ماند». و جواب مرد یونانی: «این دومین دلیل مهاجرتم است». این داستان پیچیده یونانی‌هاست. پیش‌تر آن را درباره کشورهای اروپای شرقی می‌گفتند، اما مخصوصه یونان مصادق به‌روزشده آن است. از یک‌سو ادامه سیاست‌های ریاضتی فاجعه‌باری که کشور را به مرز نابودی کشانده و از دیگر سو خروج از اتحادیه اروپا با چشم‌انداز ضربه‌ای دیگر به استناداردهای زندگی مردمی که درآمدشان با همان سیاست‌های تحمیلی به نصف رسیده. با این همه مخاطرات بالای خروج یونان از حوزه یورو که راست‌گرایان اروپایی به‌عنوان برگ برنده‌ای آن را به‌کار می‌برند، این‌بار علاوه‌بر خود یونان، دامنگیر اتحادیه اروپا و آینده آن هم خواهد شد. «الکسیس سیراس»، نخست‌نظر یونان باامداد جمعه در سخنرانی تلویزیونی خود از اعلام همه‌پرسی عمومی درباره پذیرش یا عدم پذیرش بسته اصلاحات پیشنهادی نهادهای وام‌دهنده در روز یکشنبه آینده خبر داد و در توضیح تصمیم دولت یونان چنین گفت: «پس از پنج ماه چانه‌زنی سخت، متأسفانه شرکای ما دو روز پیش اولتیماتومی را به دموکراسی یونان و مردم یونان صادر کردند؛ اولتیماتومی که مغایر با اصول بنیانی ارزش‌های اروپا است. ارزش‌های پروژه اروپای مشترک ما». او در بخشی از صحبت‌هایش با انتقاد از اروپای کنونی گفت: «یونان بخش جدایی‌ناپذیر اروپایست و باقی خواهد ماند و اروپا یک بخش جدایی‌ناپذیر یونان است. اما بدون دموکراسی، اروپا یک اروپای بی‌هویت

خواهد بود؛ یک اروپای بدون قطب‌نما». حدود ۴۲ ساعت پس از سخنرانی سیراس، روز گذشته پارلمان یونان با اکثریت آرا طرح دولت این کشور برای برگزاری همه‌پرسی را تصویب کرد. سیراس چپ‌گرد را پارلمان این کشور هم سخنرانی کرد و با انتقاد شدید از اتحادیه اروپا و صندوق بین‌المللی پول گفت: کشوری که در آن دموکراسی زاده شده است تسلیم وزیر اقتصاد و دارایی آلمان و صندوق بین‌المللی نخواهد شد و عزت و استقلال خود را با قدرت حفظ خواهد کرد. او در میانه انتقادهای نمایندگان سرمایه‌داری در یونان که با ایجاد هراس مشغول بزرگ‌نمایی تأثیرات منفی خروج یونان از اتحادیه اروپا هستند از مردم یونان خواست که در همه‌پرسی یکشنبه هفته آینده برای نجات کشور، حفظ استقلال و عزت خود با صدای بلند



یونان

به‌زاده‌خواهی وام‌دهندگان «نه» بگویند. دراین‌میان بانک مرکزی اروپا هم که پیش‌تر یونان را به عدم‌تمدید بسته کمک‌های مالی تهدید کرده بود، در اقدامی که به‌گفته آنها برای ثبات مالی یونان است این کمک‌های مالی را تا مشخص‌شدن نتیجه همه‌پرسی هفته آینده تمدید کرد اما اعلام کرد میزان این کمک‌ها را افزایش نمی‌دهد. بی‌شک برگزاری همه‌پرسی نتیجه رفتار شرکای اروپایی یونان در چند ماه گذشته بوده است. دولت سیرزا با این خواسته روشن رای‌دهندگان انتخاب شد: پایان‌دادن به سیاست‌های ریاضتی. سیاست‌هایی که روی دو جبهه استوار بود، ریاضت مالی و افزایش رقابت‌پذیری بدون کاهش ارزش پول. ریاضت مالی با کاهش هزینه‌های عمومی، خصوصی‌سازی دارایی‌های کلیدی دولت و افزایش درآمدهای مالیاتی دنبال شد.

سادیس‌م سیاسی

عمران الزعبی، وزیر اطلاع‌رسانی سوریه، گفت مردم سوریه اعم از کرد و عرب و دیگر اقلیت‌ها، هرگز تقسیم کشور خود را نمی‌پذیرند، کردهای سوریه بخشی جدایی‌ناپذیر از بافت و جامعه کشور هستند و سخن‌گفتن از تقسیم سوریه، یک نوع سادیسم سیاسی است. **(ایسنا)**

بازی اردوغان با کارت داعش

اردشیر زا‌رعی‌قنواتی

ترکیه، اجتناب‌ناپذیر بوده است. به‌همین‌دلیل گمانه‌زنی خبرگزاری‌های بین‌المللی و تحلیلگران مستقل مبنی‌بر مشارکت و همدستی دولت ترکیه در حملات تروریستی داعش به کوبانی در ۲۵ ژوئن، رنک واقعیت انکارناپذیری به خود می‌گیرد. در چنین شرایطی که دولت اردوغان و داعش به یک شراکت استراتژیک برای برهم‌زدن معادلات جدیدی که در مناطق جنگی شمال سوریه رخ می‌دهد، روی آورده‌اند، وضعیت تازه رنگ خطرِ جدی را برای مبارزان کرد در منطقه هم‌اکنون به‌هم‌پیوسته سه کانون «جزیره، کوبانی وعفرین»، به‌صدا درآورده است. پیشروی شتابنده یکان‌های مدافع خلق با حمایت هوایی جنگنده‌های آمریکا، هرچند در کوتاه‌مدت این مناطق را به‌شدت تهدید کند، با توجه به وسعت مناطق عملیاتی و وجود جفره‌هایی که بین سه کانون گردی به‌دلیل سکونت اقلیت‌های عربی و ترکمن وجود دارد و همچنین عدم جزم اردوغان و «ابوبکر بغدادی»، خلیفه خودخوانده داعش، برای جبران شکست‌های اخیر، چنانچه کردها هوشیاری سیاسی و نظامی خود را حفظ نکنند، در آینده احتمال رقم‌خوردن سیکل معکوس

تکمیل دایره سیاه رهایی‌بخشی



آفریقایی‌تبار در ایالات متحده باشد، جمع کوچکی از نیايش‌کنندگان سیاه‌پوست را آماج حملاتی مرگ‌بار قرار می‌دهد. این آخرین نمونه سبوعیت فقط چند ماه پس از آن رخ داد که «والتر اسکات»، سیاه‌پوست دیگری، به دست افسر پلیس چارلستون اعدام شد. ویدئوی قتل اسکات و تصاویر همیشگی از برخورد بی‌رحمانه پلیس با مردان، زنان و کودکان سیاه‌پوست در سرتاسر کشور که در هاله‌ای از مصونیت، به ضرب‌و‌شتم و قتل آنها می‌انجامد، به این احساس بین آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار دامن زده است که سیاه‌پوستان در محاصره‌ای نژادپرستانه قرار گرفته‌اند؛ باین‌حال، از منظر دیلان استورم مرد، مهاجمان سیاه‌پوستان داخل کلیسا بودند و او درواقع مدافع تمدن سفیدپوستان، شیوه آمریکایی زندگی و تمامی روح ملتی است که رئیس‌جمهور، «بیلارک اوباما»، در سخنرانی خود در «سلما» به ستایش آن پرداخته بود. اوباما در حقیقت آن نسخه لیبرال از روایت ملی‌گرایانه سفیدپوستان را وارد پروژه مهاجران

تعداد زیادی از کارمندان دولت اخراج شدند، خدمات اجتماعی و به‌ویژه خدمات بهداشتی کاهش یافت و نیازهای اساسی شهروندان نادیده گرفته شد. بحران انسانی پیش‌آمده پس از آن هم به اندازه کافی مستند است. منطق وام‌دهندگان با هدف تولید مازاد بودجه بود که نه برای احیای اقتصاد بلکه برای بازپرداخت بدهی‌های افزایش‌یافته باید استفاده می‌شد. دولت‌های قبلی تعهد کرده بودند مازاد سالانه بودجه تولید ناخالص داخلی در هفت سال آینده به پنج درصد برسد، تعهدی که از زمان حکومت چائوشسکو در رومانی به بعد هیچ دولتی زیر بار آن نرفته است.

افزایش رقابت‌پذیری بدون کاهش ارزش پول هم از راه کاهش دوباره دستمزد کارمندان و کارگران بخش خصوصی و لغو بخش عمده‌ای از حمایت‌های قانون کار انجام شد. فقیرسازی کارگران به استدلال صندوق بین‌المللی پول، رقابت‌پذیری را بهبود می‌بخشد و به رشد اقتصادی کمک می‌کرد. اما نتیجه، یک شکست اقتصادی مطلق بود. رشد اقتصادی ۲۶ درصد کاهش یافت، بیکاری به ۲۷ درصد رسید و بیکاری جوانان به ۶۰ درصد هم رسید و بیش از سه میلیون نفر هم به خط فقر یا زیر آن سقوط کردند. با چنین پیشینه‌ای بود که یونانی‌ها ژانویه ۲۰۱۵، حزب چپ‌گرای سیریزا را انتخاب کردند که تعهدش پیگیری سیاست‌های معکوس بود. کوتاه‌مدتی پس از روی‌کارآمدن دولت جدید یونان، مذاکرات فشرده آغاز شد اما نه گفت‌وگو‌هایی برابر؛ شفاف عمیق دو طرف در منابع قدرت و ایدئولوژی، مذاکرات را به‌شکل بی‌رحمانه‌ای نامتقارن کرد، تا این‌س حد نامتقارن که کوستاس درزنیاس، روشنفکر یونانی برجسته و نویسنده کتاب «فلسفه و مقاومت در بحران: یونان و آینده اروپا»، آن را کودتای اروپا علیه یونان می‌داند؛ تلاشی برای تغییر رژیم به‌مدد بانک‌ها و نه تانک‌ها.

روزهای پایانی بارزانی

مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق، به روزهای آخر ریاستش نزدیک می‌شود. حزب «دموکرات کردستان» به رهبری بارزانی بر ادامه ریاست او اصرار دارد، اما سه حزب اصلی یعنی «اتحادیه میهنی»، «تغییر» و «حزب اسلامی» مخالف تمدید سه‌باره ریاست او هستند. **(ایرنا)**

و گرفتارشدن در تله‌های امنیتی برای آنها زیاد خواهد بود. در هفته گذشته زمانی که کردها شهر استراتژیک تل ابیض را تصرف کردند و به‌سوی رقه در حال پیشروی بودند، من در مقاله «تأثیر تصرف تل ابیض بر موقعیت ترکیه و داعش»، بعد از تشریح موقعیت جنگی دو طرف، نسبت‌به ضربه‌حمله داعش به مناطق کردی در روزهای آینده، هشدار داده بودم؛ متأسفانه خیلی‌رود این وضعیت ناخوشایند به وقوع پیوست. از آنجا‌که گزارشات حاکی از آن است که کوبانی تقریباً خالی از نیروهای رزمنده کرد شده است و بیشتر مدافعان شهر به‌سمت خطوط عملیاتی و عمق منطقه جنگی در حال جابه‌جایی هستند، این بار خطر از هر زمان دیگری بیشتر است. نیروهای کرد بیش از آنکه درگیر محاسبه اشتباه و احساساتی در روّیای تصرف شهر استراتژیک رقه، که برای داعش حکم مرگ و زندگی را دارد، باشند، باید تمرکز ذهنی و عینی خود را بر مناطق استراتژیک کردی، همچون کوبانی و «حسکه» معطوف کنند و در جغرافیای پهناوری که بسیار بالاتر از توان عملیاتی آنهاست، خود را به ورطه یک مهلکه بزرگ نیندازند. گردها باید این واقعیت و تجربه تاریخی معاصر را به‌خوبی درک کنند که انطباق منافع آنها با واشنگتن در مجارزه با داعش، حتماً به این مفهوم نخواهد بود که هرگونه استراتژی جنگی مورد نظر متحدشان، اصولاً تأمین‌کننده منافع نهایی آنها نیز خواهد بود. منافع کردهای سوریه امروز بیش از هر چیز بستنی است. به‌حفظ مناطق به‌هم‌پیوسته سه کانون و تأمین ثبات آن دارد، درحالی‌که برای واشنگتن روّیای تسخیر شهر رقه به هر بهایی در اولویت است.

آنها همان دشمنانی هستند که به گمان امثال روف، باید متوقف شوند. سایه «دیگری» نامعقول که با ویژگی‌های مشخص نژادی، مستعد خشونت است، چنان جایگاه ثابّی در ناخودآگاه شمار زیادی از آمریکایی‌های با‌اشغال کرده است که جلب حمایت عمومی برای مداخله نظامی و راه‌اندازی کارزارهای خرابکارانه سیاسی، از عراق تا ونزوئلا، اکنون بسیار سهل و آسان شده است. حقیقت آن است که اوباما و طبقه حاکم در ایالات متحده چندان دغدغه خشونت ندارند. آنها فقط می‌خواهند اطمینان یابند خشونت با مجوز دولت امکان می‌شود. دراین‌میان، سخنان «مارتن لوترکینگ» درباره لزوم پاسخ غیرخشونت‌آمیز به آزار نژادی، که امروز در آمریکا شاهد آن هستیم، باری دیگر از گنجه‌ها بیرون کشیده شده است، اما آنچه از کینگ نقل نمی‌کنند، همان جایی است که او از ایالات متحده به‌عنوان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده خیزات در سطح جهان نام می‌برد و بازآرایی بنیادین جامعه را تنها راه خلاصی این کشور از شر امرأضی چون نژادپرستی، مادی‌گرایی و نظامی‌گری می‌داند.

نه، ما از این وجهه کینگ سخنی نخواهیم شنید؛ اما مالکوم را می‌شناسیم و سخنان او از همان وضوح و شفافیتی برخوردار است که ما امروز برای تکمیل دایره مبارزات خود به آن نیازمندیم.

جهان

پارلمان یونان پیشنهاد همه‌پرسی سیراس را تصویب کرد

اروپا بدون دموکراسی، اروپا بدون قطب‌نما

رویداد

عامل انفجار کویت، عربستانی است

● وزارت کشور کویت اعلام کرد عامل انتحاری حمله مرکبار به مسجد شیعیان در کویت که داعش مسئولیت آن را برعهده گرفته است، سعودی بوده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، وزارت کشور کویت در بیانیه‌ای که در خبرگزاری رسمی این کشور منتشر شد، اعلام کرد: نام این عامل انتحاری، «فهد سلیمان عبدالمحسن القیاع» بوده است. پلیس کویت می‌گوید راننده خودرویی که بمب‌گذار انتحاری را به مسجد امام‌صادق(ع) منتقل کرد نیز دستگیر شده است. به‌گفته پلیس، این فرد به شکل غیرقانونی در کویت اقامت داشته است.

مظنون حمله تروریستی فرانسه سکوتش را شکست

● «یاسین صالح»، مظنون حمله تروریستی به کارخانه تولید گاز در فرانسه، بالاخره با پلیس صحبت کرده است. به گزارش دویچه‌وله، او که از زمان بازداشتش سکوت کرده بود، به پلیس گفت ه‌ره‌ار سر بریده‌شده رئیسش یک عکس «سلفی» گرفته و از طریق واتس‌اپ برای یک نفر فرستاده است. اما متهم هنوز درباره انگیزه ارتکاب این قتل چیزی به پلیس گفته است. در محل کارخانه‌ای که موردحمله تروریستی قرار گرفت، سر بریده‌شده یک نفر پیدا شد که روی آن کلمات عربی نوشته شده بود. گروه تحقیق قبل از هرچیزی می‌خواهد بداند آیا این فرد همکار یا همکارانی داشته یا نه، به همین دلیل همسر و خواهر و یو یک شخصی دیگر درحال حاضر برای انجام تحقیقات در بازداشت به‌سر می‌برند. دادستان ضدتور فرانسه گفته است تاکنون مدرکی دال بر اینکه یاسین صالح همکاران دیگری داشته، پیدا نشده است.

تصمیم اسد برای تغییر کادر نظامی

● گزارشات رسانه‌های غربی حاکی از این است که «بشار اسد»، رئیس جمهوری سوریه، تصمیم دارد تا سست به تغییرات گسترده در فرماندهی ارتش و دستگاه‌های امنیتی بزند. خبرگزاری «اکی» ایتالیا به نقل از منابع دیپلماتیک غربی، اعلام کرد براساس اطلاعات «فاش‌شده»، این تغییرات شامل بالاترین پست‌های ارتش و پست‌های نظامی و امنیتی است و احتمالاً تعداد زیادی از فرماندهان ارشد ارتش و دستگاه‌های امنیتی سوریه کنه گذاشته شوند. به‌گفته این منابع، احتمالاً «فهد جاسم الفریج»، وزیر دفاع سوریه، «جمیل الحسن»، رئیس شعبه اطلاعات هوایی و «علی ملوک»، رئیس دفتر امنیت ملی، تغییر کنند. همچنین در حالی که مخالفان سوری از پیشروی داعش در شهر «حسکه» خبر می‌دهند، تلویزیون سوریه می‌گوید کنترل تمام این شهر در دست ارتش است و نیروهای داعش از حسکه بیرون رانده شده‌اند. به گزارش اسکای‌نیوز عربی، مخالفان سوری می‌گویند که درگیری‌های ۲۴ ساعته گذشته داعش با نیروهای دولتی سوریه و شبه‌نظامیان کرد هم‌پیمان دمشق، این گروه تروریستی توانسته محله‌های دیگری از شهر حسکه و مرکز استانی به همین نام در شمال سوریه را به تصرف خود درآورد.

تشکیل «دولت مشارکتی» در یمن

● یکی از رهبران جنبش انصارالله یمن اعلام کرد گروه‌های سیاسی در این کشور در حال بررسی طرح تشکیل دولتی بر مبنای اصل مشارکت ملی میان گروه‌های سیاسی شرکت‌کننده در رایزنی‌های ژنو هستند. به گزارش پایگاه خبری العهد، «حمزه الجونئی» با اعلام این خبر گفت: «اسماعیل ولد الشیخ احمد»، فرستاده سازمان‌ملل به یمن، به‌زودی به صنعاً سفر خواهد کرد که این سفر در چارچوب سفرهای کنونی‌اش به منطقه برای بررسی آغاز رایزنی‌های جدید و تکمیل رایزنی‌های سابق، براساس بیانیه اخیر شورای امنیت است.

«داعش» مسیحیان قدس را تهدید کرد

● گروه تروریستی داعش به‌تازگی با انتشار بیانیه‌ای در پایگاه اجتماعی «فیس‌بوک»، به تمامی مسیحیان ساکن قدس هشدار داده تا پایان ماه رمضان از این شهر خارج شوند و در غیراین‌صورت با طوع آفتاب عید فطر سرشان بریده خواهند شد. همچنین در این بیانیه رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین نیز تهدید و به «مزدور صهیونیست‌ها» توصیف شده است. در این بیانیه، مسیحیان بیت‌المقدس «کافر» خوانده شده‌اند.

افشای روابط عربستان با شبکه حقانی

● اسناد منتشرشده توسط سایت «ویکی‌لیکس» نشان می‌دهد سفارت عربستان در اسلام‌آباد با شبکه حقانی در ارتباط بوده و به رهبر این گروه شبه‌نظامی کمک کرده تا برای درمان به عربستان برود. به نوشته روزنامه «داون»، این اسناد منتشرشده توسط ویکی‌لیکس، به قرار داده‌ای اخیر میان مقام‌های سعودی و شبکه حقانی و رابطه دیرپای آن دو حتی به روزهای حمایت سیا از افراط‌گرایان در افغانستان، اشاره دارد. وزارت امور خارجه عربستان پس از انتشار این اسناد توسط ویکی‌لیکس، در بیانیه‌ای نگرانی خود را درباره انتشار علنی این اسناد اعلام کرده، اما گفته مطالب منتشرشده با سیاست خارجی ریاض، مغایر نیست.